

حرفهای بی مالیات ، چک های بی محل !!

آرش کمانگر

دوات خاتمی با ارسال لایحه ای به مجلس شورای اسلامی ، خواستار موافقت مجلس با پیوستن رژیم اسلامی ایران به جمع دولتها و کشورهای امضاکننده موافقتنامه جهانی رفع تبعیض از زنان ، شده است . این پیشنهاد در حالی طرح میشود که همه جناحهای حکومتی به روشنی از تضاد و تناقض بسیاری از بندهای عهدنامه مذکور با قوانین شرعی دین اسلام و قوانین رسمی جمهوری اسلامی خبر دارند . پس این سؤال بوجود می آید که چرا علیرغم علم بر این مسئله ، حاضرند کماکان بر پای معاهده مذکور امضا گذارند ؟ (البته اگر فرض گیریم که این لایحه دولت ، توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شود و از سد " سکندر " شورای نگهبان عبور کند !!) .

پاسخ این پرسش را باید در فواید دیپلماتیک و خارجی آن جستجو کرد . از نقطه نظر روابط جهانی ، امضا نکردن معاهده های مهم جهانی نظیر : منشور بین المللی حقوق بشر ، عهدنامه حقوق کودک ، مصوبات سازمان جهانی کار ، موافقتنامه های مربوط به منع شکنجه ، منع نژادپرستی و غیره تاثیرات سوئی بر جای میگذارد و چنین رژیمهایی ممکن است تحت فشار افکار عمومی بین المللی ، دچار انزوای خفه کننده ای شوند . خود این مسئله ، کار دولت های غربی را برای گسترش رابطه با دولتهایی که رسماً حقوق بشر را انکار میکنند ، دشوار می سازد و آنها را ممکن است در برابر افکار عمومی ترقیخواه کشورهای خود قرار دهد .

رژیم اسلامی که تجربه امضای صوری منشور جهانی حقوق بشر توسط رژیم شاه را بدنبال دارد و خود نیز در چندساله گذشته از طریق امضای برخی توفقتنامه های بین المللی نظیر : عهدنامه حقوق کودک ، در این حوزه دست به کسب تجربه زده ، دریافته که ظاهراً میتوان با صدور این نوع " چک های

بی محل " و خالی بندیهای سیاسی و پزهای دیپلماتیک و متمدانه ، از یکطرف برای رژیم اسلامی (در قیاس با دیگر رژیمهای عقب مانده و استبدادی نظیر : عربستان) اعتبار خرید و از طرفی دیگر هیچ الزامی برای عملی کردن و پیاده نمودن مفاد عهدنامه های بین المللی در داخل ایران نداشت . بنابراین ژست اخیر دولت خاتمی را باید جزو سایر حرفهای " بی مالیات " او گذاشت که به خیال خود ، میتواند با آن یر مردم ایران و جهان در رابطه با کارنامه سیاه رژیم اسلامی در زمینه نقض خشن مبانی حقوق بشر " شیره بمالد " . اگر رژیم شاه با امضای منشور جهانی حقوق بشر نه از ابعاد اختناق کاست و نه از حجم وحشیگریهای ساواک ، چرا جمهوری اسلامی نتواند با امضای موافقتنامه - های مربوط به حقوق کودک و یا زنان ، همین دوگانگی را به پیش ببرد ؟ اگر امضای عهدنامه های سازمان جهانی کار ، برای طبقه کارگر ایران ثمره ای ببار نیآورده و اگر امضای منشور حقوق کودک ، تاثیری بر وضعیت کودکان ایرانی نداشته و ظرف سالهای اخیر شاهد رشد پدیده های منفی چون : " کودکان کار " و " کودکان خیابانی " بوده ایم ، چه اشکالی دارد که دولت بطور صوری " برابری جهانی زن و مرد " و رفع تبعیضات جنسی را بپذیرد اما در عمل به قوانین و تبعیضات قرون وسطایی خود وفادار باشد !!

بر همه و از جمله فعالین جنبش زنان روشن است که رژیم اسلامی حتی در صورت امضای نهایی عهدنامه رفع تبعیض علیه زنان نیز نه برابری زن و مرد در عرصه هایی چون شهادت ، ارث ، قضاوت ، حضانت کودک ، ازدواج ، آزادی پوشش ، ورزش ، هنر ، طلاق و را خواهد پذیرفت و نه حق برابر آنها را برای تصدی همه مشاغل و از جمله احراز پستهای حکومتی .

این مسئله را حتی برخی اصلاح طلبان مدافع دولت خاتمی نیز بنوعی اعتراف میکنند . مثلاً خانم محبوبه عباسقلی سردبیر فصلنامه " فرزانه " می گوید که امضای عهدنامه مذکور ، همچون مورد کودکان ، هیچ بازتاب مستقیم و فوری بر وضعیت زنان ایران نخواهد داشت ز او به هم خوردن مناسبات سنتی مربوط به روابط زن و مرد را محصول پیشرفت جنبش زنان میدانند ، هرچند در

همانحال ، وضعیت زنان ایران را از بسیاری از کشورها که این عهدنامه را قبلا امضا کردند بهتر میداند !! ولی برای اثبات ادعای خود هیچ فاکتی ارائه نمیدهد. با این همه ، تاکید بر نقش جنبش مستقل زنان برای به چالش طلبیدن قوانین ، سنتها و فرهنگ مردسالارانه و پدرسالارانه پارامتر درستی است که وضعیت و حقوق زنان ایران ، تا حدود زیادی به میزان پیشرفت در این پیکار مهم و حیاتی بستگی دارد .